

یادی از استاد محمدتقی مدرس رضوی

غلامحسین صدری افشار^۱

«لله الحمد، که توفیق عنایت فرمود تا راه و روش نیاکان خود را در پیش گیرم و تدریس و تعلیم فرزندان کشور را پیشه سازم و تمامی عمر را به مطالعه کتب و نشر آثار بزرگان گذشته صرف نمایم و خدمت پرافتخار معلمی را به دست آورم.»
از مصاحبه نشریه کیهان فرهنگی با استاد محمدتقی مدرس رضوی (شماره ۲۸، آبان ۱۳۲۴)

استاد محمدتقی مدرس رضوی در سال ۱۲۷۴ در مشهد به دنیا آمد. پدر و نیاکان او از زمان نادر شاه به بعد همه معلم و اهل علم بودند. او هم سراسر عمر خود را صرف تحصیل و سپس تعلیم و تصحیح و نشر آثار پیشینیان کرد و کوشید چراغ معرفت را فروزان نگهدارد و جز این به کاری نپرداخت. او این بخت را داشت که از نعمت پدری عالم و آگاه برخوردار بود و پدر برخلاف رسم زمانه فرزند را به مدرسه سبک جدید فرستاد و علاوه بر درسهای معمول، به فراگیری ریاضیات، نجوم و زبان فرانسه واداشت. او هم شوق فراوان برای یادگیری داشت، پس از آموختن مقدمات به نزد استادان مختلف رفت، که از آن جمله بودند ادیب نیشابوری و محمدطاهر تنکابنی. او نزد این استادان به خواندن مغنی و مطول تفتازانی، شرح منظومه سبزواری، مقامات حریری، تحریر اصول اقلیدس، مجسطی بطلمیوس، شرح لمعه در فقه، قوانین در اصول، شرح هدایه صدر المتألهین، شرح اشارات و بصائر نصیریّه نصیرالدین طوسی، طبیعیات شفا و کلیات قانون ابن سینا پرداخت. استاد مدرس رضوی پس از درگذشت پدرش شادروان میرزا محمدباقر در سال ۱۳۰۲ به جای او مدرس آستانه رضوی شد و تا سال ۱۳۱۰ در این کار بود تا به تهران فرا خوانده شد و تدریس و نظامت مدرسه سپهسالار را برعهده گرفت و از سال ۱۳۱۷ به تدریس در دانشکده معقول و منقول (دانشکده الهیات کنونی دانشگاه تهران) و دانشکده ادبیات مشغول شد و جمعی از برجسته ترین استادان بعدی خوشه چین خرمن فضل و دانش او شدند (کسانی چون دکتر خانلری، دکتر سادات ناصری، دکتر محمد روشن، دکتر اسماعیل حاکمی و بسیاری دیگر). به جز جشن نامه ای که با

۱. تاریخنگار علم، مترجم و فرهنگ نویس gh_sadriafshar@yahoo.com

مقالاتی از سی تن از استادان در بزرگداشت آن شادروان منتشر شد، من شاهد ستایش او از زبان دکتر خانلری و ایرج افشار بوده‌ام.

یکی از بزرگترین کارهای شادروان مدرس رضوی تألیف کتابی در زندگینامه‌ی خواجه نصیرالدین است، تحت عنوان احوال و آثار قدوة المحققین و سلطان حکما و متکلمین استاد بشر و عقل حادی عشر ابوجعفر محمد بن محمد بن الحسن الطوسی ملقب به نصیرالدین، که اول بار در سال ۱۳۵۴ از سوی بنیاد فرهنگ ایران در ۷۲۲ صفحه در قطع وزیری انتشار یافته است.

این کتاب، نه تنها زندگینامه‌ی یک دانشمند معروف، بلکه گزارشی است مبسوط از اوضاع و احوال فرهنگی ایران در سده هفتم هجری، شامل زندگینامه‌ی خواجه، معرفی استادان، همکاران، دستیاران، شاگردان و فرزندان او، معاصران معروف از دانشمندان، خلفا، امرا و شاهان، اوضاع و احوال اسماعیلیه در ارتباط با خواجه، رصدخانه‌ی مراغه، آثار و مکاتبات خواجه و حکایت‌های مربوط به او.

اگر پژوهشگران ما می‌توانستند چنین کتابهایی در باره‌ی دیگر بزرگان علم تألیف کنند، بی‌شک کمک بزرگی به شناخت تاریخ علمی، فرهنگی و اجتماعی ایران می‌شد. مثلاً ما چندین کتاب خوب درباره‌ی زندگی رازی، بیرونی و ابن‌سینا داریم، که با وجود مستند بودن، بیشتر به کار و زندگی خود آنان توجه داشته‌اند و نه به محیط و اوضاع و احوال روزگارشان.

مدرس رضوی در کتاب احوال و آثار خواجه نصیرالدین به عرضه‌ی تصویر همه‌جانبه‌ای از روزگار او پرداخته است و به ما کمک می‌کند تا دریابیم چرا او از قلعه‌ی الموت فرود آمد، اسماعیلیان را به تسلیم واداشت، مغولان را به بغداد کشاند و به برچیدن دستگاه خلافت رهنمون شد. ما در این کتاب با سیمای یک دانشمند و در عین حال یک سیاستمدار بزرگ آشنا می‌شویم، که میان اخلاق شخصی و اخلاق سیاسی فرق می‌گذارد و می‌داند در اخلاق سیاسی منافع کشور مطرح است و آن کار اخلاقی است که بیشترین سود، یا کمترین زیان را برای جامعه دربر داشته باشد.

در این کتاب اطلاعات مبسوطی درباره‌ی رصدخانه‌ی مراغه آمده است، که ما را با ماهیت و فعالیت یکی از بزرگترین مؤسسات علمی دوره‌ی اسلامی آشنا می‌کند و سرگذشت آن را باز می‌نمایاند. در سال ۱۳۷۷ ترجمه‌ی عربی این کتاب که به دست علی هاشم اسدی فراهم شد با عنوان العلامة الخواجة نصیرالدین طوسی، حیات و آثاره به وسیله‌ی بنیاد پژوهش‌های اسلامی در مشهد منتشر شد.

آثار علمی مدرس رضوی منحصر به این کتاب نیست، هرچند تألیف همین کتاب ممکن است برای بسیاری از پژوهندگان کار یک عمر باشد و به چنین جامعیتی هم نرسند. اما او به تصحیح و نشر چندین دیوان و متن ادبی هم پرداخت، مانند دیوان انوری، دیوان سنایی، مثنویهای سنایی، حدیقه‌ی الحقیقه‌ی سنایی، دیوان سیدحسن غزنوی، شرح مشکلات دیوان انوری، تاریخ بخارای

نرشخی، مجمل التواریخ ابوالحسن گلستانه، المعجم فی معاییرالاشعار العجم شمس قیس رازی، شجرة طيبة پدرش میرزا محمدباقر مدرس رضوی. او علاوه بر مقدمه و تعلیقاتی که بر این آثار نوشت، آثاری هم تألیف کرد، که از آن جمله است، تعلیقات بر حدیقة الحقیقه، سالشمار وقایع مشهد در قرنهای پنجم تا سیزدهم و کتابی در عروض که چاپ نشده است. اما آنچه در اینجا مورد نظر ماست تصحیحات و تعلیقات او بر چند کتاب مهم علمی است:

میزان الحکمه از ابوالفتح عبدالرحمان خازنی (ح ۴۷۵ - ۵۲۵) اخترشناس و مکانیکدان ایرانی بر اساس ترجمه فارسی آن از مترجمی ناشناس در حدود سده های ۶ و ۷ هـ. این کتاب که درباره سازوکار نوعی ترازوی دقیق برای سنجش عیار جواهرات است، معرف اوج تکامل سنتی است که تا سده هفدهم میلادی دست نخورده باقی ماند. مدرس رضوی این کتاب را تصحیح و با مقدمه و تعلیقات در سال ۱۳۴۶ به توسط بنیاد فرهنگ ایران منتشر کرد.

آثار علوی یا کائنات جو از ابوحاتم مظفر اسفزاری (وفات ۵۱۵) اخترشناس، ریاضیدان و فیزیکدان ایرانی، در هواشناسی، که مدرس رضوی اول بار آن را در سال ۱۳۱۹ توسط شرکت طبع کتاب منتشر کرد و بعدها در سال ۱۳۵۶ از سوی بنیاد فرهنگ ایران تجدید چاپ شد.

تنسوخنامه ایلخانی، بیست باب در معرفت اسطربلاب و اساس الاقتباس هر سه از آثار نصیرالدین طوسی است که مدرس رضوی به تصحیح و چاپ آنها اقدام کرد. تنسوخنامه کتابی است به فارسی در شناخت کانیها و عطریات که مؤلف آن را به فرمان هلاکو تألیف کرده است و در مقدمه کتاب می گوید: « پادشاه جهان و ماده امن و امان از این ضعیف التماس کرد که تألیفی می باید کرد در معرفت انواع جواهر معدنی و غیر آن و کیفیت تولد و سبب حدوث آن و بهترین و بدترین و شبیه هر یک و خاصیت و قیمت آن و محافظتشان ... هرچه به خدمت پادشاهان آورند در آنجا یاد کرده شود.» یعنی هلاکو می خواست کتاب راهنمایی برای مأمورانش نوشته شود تا بتوانند هدایایی را که برای او آورده می شود شناسایی و ارزیابی کنند و جواهر قلابی را بشناسند. تنسوخنامه در سال ۱۳۴۸ به توسط بنیاد فرهنگ ایران منتشر شده است.

بیست باب در معرفت اسطربلاب رساله کوتاهی است به فارسی در شناخت و کاربرد اسطربلاب، که پس از طوسی بسیار مورد توجه قرار گرفت و چند تن بر آن شرح نوشتند. مدرس رضوی این رساله را تصحیح و در سال ۱۳۳۵ به توسط دانشگاه تهران منتشر کرده است.

اساس الاقتباس مشروحترین اثر در منطق به زبان فارسی است که به بیان و توضیح رسالات ارسطو (ایساغوجی، قاطیغوریاس، باری ارمینیاس، آنالولوطیقای اول و ثانی، طوبیقا، سوفسطیقا، ریطوریقوا و بوطیقا) پرداخته است. این کتاب در سال ۱۳۲۶ از سوی دانشگاه تهران منتشر شده است.

برای آگاهیهای بیشتر درباره زندگی و آثار شادروان محمدتقی مدرس رضوی نگاه کنید به:

۱. جشن نامه استاد مدرس رضوی. به کوشش ضیاء الدین سجادی و محمد روشن. انجمن استادان زبان فارسی، تهران، ۱۳۵۶.
۲. کیهان فرهنگی. ش ۲۸، ۱۳۶۴.
۳. نادره کاران. ایرج افشار. به کوشش محمود نیکویه، نشر قطره، ۱۳۸۳.

